



پیش دبستان و دبستان موعود  
(غیردولتی پسرانہ - منطقہ ۲)

# حرامنامہ بین اولیائی مشرل و اولیائی مدرسہ

(دقتیہ تہذبات)

سلام و احترام؛ لطفا هر بندی را که مطالعه می فرمایید در مستطیل مربوطه تیک بزنید و پس از مطالعه کامل، نسبت به تکمیل

صفحه آخر دفترچه اقدام نمایید. با تشکر!

می دانیم جهت گیری تمام فعالیت های آموزشی و تربیتی در دبستان موعود ناظر بر **خودشناسی** همه

ذینفعان مدرسه، به ویژه **فرزندان** است.

می دانیم در رویکرد آموزشی دبستان موعود که ناظر بر **خودشناسی** است، فعالیت شناختی فرزندان،

متفاوت از رویکرد های دیگر است. در این رویکرد فعالیت شناختی فرزند ما، **یادآری** است، نه یادگیری. می

دانیم که فرآیند یادآری، فرایندی درونی است و مستلزم اصالت دادن ما به تمایلات یادآورنده (دانش آموز)

است **(پیوست ۱)**

## نیاز - خواسته

می دانیم ممکن است بین این موارد تفاوت هایی وجود داشته باشد؛

۱- خواسته های ما، ۲- نیاز های ما، ۳- خواسته های فرزندان و ۴- نیازهای رشد فرزندان

مدرسه را موظف و متعهد به این می دانیم که از بین ۴ مورد فوق، تمرکز برنامه ریزی ها را تنها و تنها بر

نیازهای رشد فرزندان قرار دهد.

خودمان را موظف و متعهد می دانیم که در فرآیند پرداختن به نیازهای فرزندان، کاملا با مدرسه همراه

باشیم.

تشخیص نیازهای رشد فرزندان، به عهده ی مدرسه به عنوان مرجع تعلیم و تربیت می باشد و ما خود را

موظف و متعهد به تلاش برای تامین آن ها می دانیم.

مدرسه را متعهد و موظف به این می دانیم که ما را از نحوه سنجش نیاز فرزندانمان و نحوه برنامه ریزی برای پاسخ به نیازهای رشد فرزندانمان، آگاه سازد. و برای آگاهی از این موارد، کارگاه ها و جلسات آموزش خانواده را، با دقت ویژه پیگیری می نماییم. (پیوست ۲)

ممکن است ما خواسته ای داشته باشیم که از طرف مدرسه به عنوان نیاز رشد فرزندانمان تشخیص داده نشود. بنابراین؛ می دانیم در صورت مغایرت خواسته ما با نیاز رشد فرزندانمان، مدرسه با خواسته ما همراهی نخواهد کرد.

### ادامه همراهی

به مدرسه حق می دهیم و رسماً اجازه می دهیم در صورتی که کیفیت همراهی ما با عموم برنامه های مدرسه را از نقطه نظر خود به نفع فرزندانمان ندانست و به این نتیجه رسید که توانایی ارتقاء دادن به کیفیت همراهی ما را ندارد، از ادامه همراهی با ما خود داری نماید. متقابلاً این حق را برای خود نیز قائلیم.

در صورتی که تصمیم به جابه جایی فرزندانمان از دبستان موعود داشته باشیم، مراتب را نهایتاً تا پایان اسفند ماه به مدرسه اعلام می نماییم تا نسبت به مناسب سازی آموخته های فرزندانمان با مدارس آموزش محور، اقدام لازم از سوی مدرسه انجام پذیرد. می دانیم که این امر باعث کاهش کیفیت و افزایش کمیت یادآری فرزندانمان خواهد شد.

### پیام های مدرسه

یکی از حقوق فرزندانمان این است که بین پیام های ارسالی از سوی مدرسه اش با بقیه پیام های دریافتی مان از قبیل گروه همکاران، گروه فامیل، گروه خانواده، گروه دوستان، گروه های فرهنگی و... تفاوت کاملاً ویژه قائل شویم. بنا براین وظیفه ی خود می دانیم که در هر شبانه روز، یک بار و به میزان لازم برای مطالعه دقیق پیام های مدرسه، زمان لازم را اختصاص دهیم.

## سرپرست

می دانیم که در دبستان موعود، یک نفر و تنها یک نفر به عنوان سرپرست (معلم اصلی)، مسئول مستقیم رسیدگی به امور فرزند ماست و ما موظفیم تمام امور مدرسه ای فرزندان را با ایشان هماهنگ نماییم و از ایشان پیگیری نماییم.

با توجه به ضرورت یک دست بودن جهت گیری برنامه های مربوط به رشد فرزندان، تعیین تکلیف و ارزیابی تمام اموری که مستقیم یا غیر مستقیم، به رشد فرزندان مربوط می شوند، اعم از امور داخل یا خارج مدرسه را به سرپرست فرزندان می سپاریم.

در مورد کلاس های آموزشی، هنری، ورزشی و... قبل از هرگونه تصمیم، از سرپرست فرزندان اجازه خواهیم گرفت.

اجازه ی مرخصی فرزندان از مدرسه به عهده سرپرست می باشد.

حضور خودمان در تمام جلسات مدرسه را الزامی می دانیم و در تمام جلسات شرکت خواهیم کرد.

موظف به شرکت فعال در تمام برنامه های آموزش خانواده از قبیل؛ کتابخوانی، کارگاه، جلسه دانش افزایی، اردو و غیره که از طرف سرپرست تعیین می شود، هستیم.

می دانیم ممکن است فرآیند آموزش خانواده، حاوی تکالیف مستمر هفتگی برای والدین باشد

جهت پیشگیری از اختلال در روند حضور خود و فرزندان در جلسات و مدرسه، پیش از تنظیم سفر، قرار ملاقات، قرار میهمانی و... زمان آن را با سرپرست فرزندان هماهنگ خواهیم کرد.

می دانیم که هماهنگی با سرپرست یعنی مطمئن شدن از اینکه سرپرست با تصمیم ما موافق است و مفهوم آن با اطلاع رسانی کاملاً متفاوت است.

امور فرزندان را فقط و فقط در قالب جلسه و در شرایط مناسب و با تمرکز کافی، جویا خواهیم شد.

می دانیم که سرپرست، خود را موظف می داند که از گفت و گو با اولیا پیرامون وضعیت تحصیلی و تربیتی فرزندان، در شرایط نامناسب (سریای، تلفنی و...) خود داری نماید.

## جهت گیری مدرسه

می دانیم که هزینه های پرداختی ما به مدرسه، صرف گردش کار سازمانی یادگیرنده، فعال و پویا شده است که در آن، گروهی متخصص، برای فرآیندهای رشد فرزندان و ارتقاء نگرش و دانش فرزند پروری خودمان برنامه ریزی و فعالیت می نمایند.

می دانیم که وظیفه ی چنین سازمانی، با وظایف مدارس معمول، حتما و الزاما متفاوت خواهد بود.

می دانیم که فرزندان را در یک مرکز تعلیم و تربیت ثبت نام کرده ایم که روند آموزشی و تربیتی خود را در

قالب یک کوچه ی امن، اجرا می کند. (پیوست ۴)

می دانیم کوچه محیطی است مملو از چالش های گوناگون.

می دانیم از نظر رویکرد مدرسه، امنیت یعنی اینکه؛

✓ قواعد رفتاری را برای دانش آموزان طوری بیان کنیم که کمترین میزان تنش فیزیکی بین آن ها رخ دهد.

(منطقا انتظار نداریم که این مقدار، صفر باشد)

✓ در کنار دانش آموزان حضور همیشگی داشته باشیم؛ با کمترین مقدار دخالت و بیشترین مقدار نظارت

✓ به خاطر این که خود مراقبتی دانش آموزان ارتقاء پیدا کند، قواعد رفتاری، طوری طراحی شوند که امکان

تعامل فیزیکی دانش آموزان با محیط و چالش های آن، محدود نشود.

## امور درسی

می دانیم که رونویسیها و روخوانی های کتاب فارسی، هرکدام فقط یکی از ابزارهایی هستند که می توانند

برای تمرین مهارت های اصلی و پایه مثل "خواندن" و "نوشتن" به کار گرفته شوند.

می دانیم که موضوعات کتاب ریاضی، هرکدام تنها یکی از ابزارهایی هستند که می توانند برای تمرین

مجموعه مهارت های اصلی و پایه ی "تفکر و استدلال" به کار گرفته شوند.

می دانیم که موضوعات کتاب علوم، هرکدام فقط یکی از ابزارهایی هستند که می توانند برای تمرین

مجموعه مهارت های اصلی و پایه ی "تفکر و پژوهش" به کار گرفته شوند.

می دانیم که موضوعات کتاب اجتماعی، هرکدام فقط یکی از ابزارهایی هستند که می توانند برای تمرین مجموعه مهارت های اصلی و پایه ی "ارتباطی و اجتماعی" به کار گرفته شوند.

می دانیم ملاک ارزیابی آموزشی فرزندانمان، کتاب درسی نیست، بلکه مهارت های پایه هستند. (پیوست ۴)

می دانیم فرزندانمان را در مدرسه ای ثبت نام کرده ایم که خود را متعهد به تدریس کتاب درسی، فقط

براساس توانمندی ها و الزامات رشد فرزندانمان می داند، نه براساس توالی زمانی، بودجه بندی یا فهرست کتاب. بنابراین؛ نه مدرسه و نه ما، انتظار رسیدن فرزندانمان به نتایج آموزشی مشخصی را نداریم.

تنها در صورتی که سرپرست تشخیص دهد، درامور درسی وارد تعامل با فرزندانمان خواهیم شد. در غیر این

صورت، هیچ دخالتی در امور درسی او نخواهیم داشت و دغدغه های احتمالی از این بابت را بدون اینکه فرزندانمان متوجه دغدغه ما بشود، فقط و فقط با سرپرست مطرح خواهیم کرد.

معیار سنجش رشد تحصیلی و شخصیتی فرزندانمان، رویکرد دبستان موعود می دانیم که در راستای "سند

تحول آموزش و پرورش" با شیوه های آموزشی غیر مستقیم و تجربه محور می باشد، نه روال سنتی آموزش، و نه رویکردهای دیگری که در فضای اجتماعی، مشاوره ای و رسانه ای جامعه مطرح است.

## نظارت بر روند اجرای برنامه های مدرسه

خودمان را موظف می دانیم درباره برداشتمان از نحوه انجام وظیفه ی مدرسه، مسئولین مدرسه را مطلع

سازیم و در صورتی که اقدام یا اقدامات مدرسه را برخلاف رویکرد مورد توافق دیدیم، با اشاره به مصداق، به آن ها هشدار دهیم که از نظر ما در رابطه با مورد مذکور، رویکرد مدرسه، رعایت نشده است.

## گزارشات بچه ها، مشاهده - قضاوت، اطلاع رسانی

می دانیم که بخش مهمی از اطلاعات مورد نیاز سرپرست فرزندانمان، اطلاعاتی است که ما از احوالات و

عملکرد های او به سرپرست می دهیم. بنابراین روزانه، سرپرست فرزندانمان را از این موارد مطلع خواهیم کرد.

مبنای برداشت از امورات و اتفاقات داخل مدرسه را گزارش های فرزندان و سایر خانواده ها نمی دانیم

و در صورتی که فرزندان موضوعی را مطرح کرد؛

✓ کاملاً به صحبت های او گوش می دهیم

✓ به هیچ وجه مخالف یا موافق او پیشداوری نمی کنیم

✓ به لحاظ عاطفی و با ابراز احساسات و عواطف، به او می فهمانیم که احساس او را درک می کنیم.

✓ به او می گوئیم که حتما خودش موضوع را با سرپرست مطرح کند و پیگیری این مورد را از ما انتظار نداشته

باشد

✓ حتما و الزاماً مراتب را به صورت مشاهده و بدور از هرگونه پیش داوری، در فضای شخصی به سرپرست

اطلاع می دهیم و از اینکه فرزندان از مطالب مطرح شده بین ما و سرپرست مطلع شود، خود داری می کنیم.

✓ در روز بعد، از فرزندان می پرسیم که نتیجه ی پیگیری اش چه بوده است.

می دانیم که مدرسه، خود را موظف و متعهد به پاسخگویی، توجیه و تبیین اصول و فعالیت های

مدرسه می داند و بنابراین برای مطرح کردن دغدغه خودمان و رفع نگرانی، مراتب را به اطلاع سرپرست

خواهیم رساند و تقاضای تشکیل جلسه یا ... خواهیم داشت.

## گفت و گوها و گروه های خانواده ها

می دانیم که تنها و تنها علت تشکیل گروه خانواده های هم کلاسی های فرزندان در فضای مجازی ،

کمک به اجرای هرچه بهتر و دقیق تر منویات سرپرست است.

می دانیم که طرح مسائل و دغدغه ها در این گروه، با توجه به عدم حضور کارشناس (سرپرست)، سازنده

نیست و غیر از مسموم کردن فضای ذهنی دیگران، عایدی دیگری ندارد.

می دانیم بیان دغدغه ها و درخواست ها و پیشنهادهای فنی مربوط به امور مدرسه، در گروه خانواده ها محل فضای سالم ارتباطی است و از این لحاظ که می تواند در ذهنیت خانواده های دیگر و بر رفتار آن ها با فرزندشان تاثیر منفی بگذارد، مشمول حق الناس است.

بنابراین؛ از طرح هرگونه اعتراض، نقد، گلّه یا ... در این نوع گروه ها، موکدا خودداری خواهیم کرد و همه ی موارد قابل طرح را مستقیما با سرپرست مطرح خواهیم کرد.

می دانیم در دفاع از سلامت روان فرزندانمان، جهت جلوگیری از ایجاد نگرانی برای والدین و حفظ آرامش در روابط مادر و فرزندی، در صورت مشاهده عدم رعایت موارد بند بالا، موظفیم به اعضای گروه، تذکر دهیم.

## تربیت دینی، رفتار سیاسی

می دانیم فرآیند های تربیت دینی در دبستان موعود، ناظر بر خودشناسی است و حتما طبق فرآیند های آموزش خانواده در دبستان موعود، رفتار با فرزندان را با این نگاه هماهنگ خواهیم نمود و روندی را که مدرسه برای خودمان نظر گرفته، طی خواهیم کرد.

می دانیم اولین ساحت فرآیند تربیت دینی در دبستان موعود، فلسفه لذت است. (پیوست ۵)

می دانیم دومین ساحت فرآیند تربیت دینی در دبستان موعود، الگو پردازی به واسطه بیان داستان های قرآنی و معرفی پیامبران است.

می دانیم سومین ساحت فرآیند تربیت دینی در دبستان موعود، الگو پردازی به واسطه بیان داستان های مربوط به ائمه و اولیای الهی است.

می دانیم چهارمین ساحت فرآیند تربیت دینی در دبستان موعود، شکل گیری یک تداعی برای فرزندان بین رفتار خود و رفتار الگوهاست و این امر به واسطه ی گرامیداشت مناسبت های مذهبی با رویکرد آگاهانه و فعالیت محور، اتفاق می افتد.



- می دانیم به هدف رشد آگاهانه ی اعتقادی فرزندان، حق نداریم جهت گیری اعتقادی و مذهبی خود را به او القا کنیم و حتی المقدور تلاش می کنیم که او از دیدگاه ما خبردار نشود.
- می دانیم اولیای دبستان از القاء جهت گیری اعتقادی و مذهبی خود به فرزندان خودداری خواهند نمود و در صورت مشاهده موردی که به نظرمان نقض این امر از طرف اولیای مدرسه باشد، خود را موظف به این می دانیم که حتما و فوراً مراتب را از اولیای مدرسه، پیگیری نماییم.
- می دانیم طبق دیدگاه تربیتی و فنی دبستان موعود، فرآیند شکل گیری هویت ملی - اسلامی فرزندان در مدرسه، نشأت گرفته از آرمان های انقلاب اسلامی است.
- می دانیم سهم شناخت فرزند ما از هویت ملی - اسلامی، مفهوم استقلال (خودباوری ملی) است و دبستان موعود، وقایع انقلاب اسلامی را حتما و تنها در این زمینه برای فرزندان بیان خواهد کرد. (پیوست ۶)
- می دانیم گرامیداشت مناسبت های ملی، تاریخی و سنتی ایران عزیز، در شکل گیری هویت ملی - اسلامی فرزندان نقش مهمی دارد و در این زمینه، خود را موظف به همراهی با برنامه های مدرسه می دانیم.
- می دانیم به هدف رشد آگاهانه ی مهارت های اجتماعی فرزندان، حق نداریم جهت گیری سیاسی خود را به او القا کنیم و حتی المقدور تلاش می کنیم که او از دیدگاه ما خبردار نشود.
- می دانیم اولیای دبستان از معرفی، القاء و حتی در دسترس قرار گرفتن جهت گیری سیاسی خود به فرزندان پرهیز خواهند نمود و در صورت مشاهده موردی که به نظرمان نقض این امر از طرف اولیای مدرسه باشد، خود را موظف به این می دانیم که حتما و فوراً مراتب را از اولیای مدرسه، پیگیری نماییم.

## نقش والدینی

- به هیچ وجه فرزندان را با هم کلاسی ها، بچه های فامیل، آشنایان یا شاگردان مدارس دیگر مقایسه نمی کنیم و او را شخصیتی مستقل می دانیم.

می دانیم که موظفیم برای بهتر دیدن و توجه ویژه به نکات مثبت فرزندانمان، تلاش ویژه در ارتقاء علمی

خود، داشته باشیم و ادبیات گفت و گو با فرزندانمان را طبق آموزش های دبستان موعود، تنظیم نماییم

می دانیم یکی از مهمترین اصول مدرسه موعود، رعایت نقش پدر در جایگاه "تنظیم کننده ی قوانین

خانواده" و نقش مادر در جایگاه "پشتوانه ی بی چون و چرای عاطفی"، می باشد، نه معلم، ناظم، مدیر یا

دوست. ما نیز حتما طبق فرایندهای آموزش خانواده در دبستان موعود، این نقش را ایفا خواهیم کرد و در

صورتی که نقش مطرح شده براساس رویکرد مدرسه، مورد قبول ما نباشد، از ثبت نام فرزندانمان در این مدرسه،

خود داری خواهیم نمود. (پیوست ۷)

سوالات احتمالی مربوط به مطالب فوق را پیش از امضای این برگه، از مسئولین دبستان پرسیده ایم و

پاسخ مناسب را دریافت کرده ایم و ابهامی نسبت به این موارد نداریم. (پیوست ۸)

فرزندانی شما به حقیقت فرزندان شما نیستند! آنها دختران و پسران زندگراوند، در سودا فروشن  
آنها از کوی و وجود شما مرگزند اما از شما نیستند و اگر چه با شما بند، به شما تعلق ندارند.  
عشق خود را بر آنها نثار کنید، اما اندیشه هایتان را بر سر خود نگاه دارید. زیرا آنها را نیز بر سر خود  
اندیشه اردیگر است.

جسم آنها را در خانه فروشن مسکن دهید، اما روح آنها را آزاد گذارید. زیرا روح آنها در خانه  
زیست خواهد کرد که شما حتر در رویا نیز نمیرتوانید به دیدار آنخ بروید.  
مسکن است تلاش کنید که شبیه آنها باشید، اما نکوشید آنها را مانند خود بار بیاورید. زیرا زمان به  
عقب برنخواهد گشت.

شما کمانر هستید که از چله آنخ، فرزندانان همچون تیرها را مانند پرتاب می‌شوند.

(جبران خلیل جبران)

اینجانب ..... پدر دانش آموز ..... با امضا ذیل این برگه اعلام می‌دارم که

از تمامی بندهای این دفترچه مطلع گردیدم و خود را متعهد به اجرای آنها می‌دانم.

امضا - تاریخ

اینجانب ..... مادر دانش آموز ..... با امضا ذیل این برگه اعلام می‌دارم که

از تمامی بندهای این دفترچه مطلع گردیدم و خود را متعهد به اجرای آنها می‌دانم.

امضا - تاریخ

پیوست ۱؛ انسان، بما هو انسان و برون در نظر گرفتن دین و مذهب و مسلک و مرام، **غایتش** رشد استعداد های درونی است. انسان برای رسیدن به کمال، نیازمند هیچ امری از بیرون خود نیست. او برای رشد استعداد های درونی خویش، می بایست به آن ها آگاهی داشته باشد. باید به درونیات خویش توجه کند و برای زندگی، آنها را اصل قرار دهد. انسان برای رسیدن به کمال، مجبور به شناخت خویش است و معتقدیم در امر آموزش و پرورش، در نظر گرفتن هر حرفی غیر از **فودشناسی**، نه تنها اصالت ندارد بلکه مانعی برای رشد و کمال انسان خواهد بود. در دبستان موعود، تمام برنامه ریزی های فرد و کلان، تنها به این هدف طراحی می شوند و هیچ برنامه ای برون اینکه نسبتش با **فودشناسی** معلوم شده باشد، نه تنها اصالت، که رسمیت هم نخواهد داشت.

کودک (همان که ما اصطلاحاً به او دانش آموز می گوئیم)، ریاضی را به این دلیل تمرین میکند که قوه عاقله یا همان عقل خودش را رشد و بروز بدهد. او تمرین کردن ریاضی را می آموزد، نه فود ریاضی را. او ریاضی را از بیرون دریافت نمی کند. روش های حل مسئله را تمرین می کند تا قوه ی تدبیر خودش را رشد دهد. او قدرت تدبیر را از کسی در یافت نمی کند. برای رشد و بروز قوه ی رافت خودش، مهربانی را تمرین می کند، نه اینکه مهربانی را بیاموزد. و قس علی هذا

مهربان، با توجه کامل به درونیات کودک، فقط بستر ساز این تمرین ها و تجربه ها هستند و هیچگاه معیار برنامه ریزی امور مدرسه را، دستیابی به نتایج تمصیلی نمی دانند. آنها نیز، برای رشد و بروز قوای درونی خویش، طراحی و برنامه ریزی آموزشی را و دیگر مهارت های لازم برای مربیگری را تمرین می کنند. کسی که خودش در حال رشد دادن خودش نباشد، نمی تواند بستر ساز خوبی برای رشد دیگری باشد.

بستر سازی تجربه و تمرین برای بچه ها، در قالب ۳۸ مهارت در ۵ دسته؛ **مدیریت فود، ارتباطی، اجتماعی، فراگیری دانش و پژوهش** انجام می شود. دانش آموزان، این مهارت ها را در قالب موضوعات کتاب های درسی و دیگر فعالیت ها تمرین می کنند. مهربان نیز با پایش میزان تمرین انجام شده در هر فرد و با رصد کیفیت مهارت به دست آمده، به زمینه سازی برای جامعیت تمرین مهارت ها و تعادل مهارتی در هر کدام از دانش آموزان می پردازند. هر کدام از برکه های آفرینش فرآیند در دبستان موعود که، اصطلاحاً به آن ها طرح درس گفته می شود، حاوی برنامه ای است برای تمرین دسته ای از این مهارت ها. ممکن است ابزار تمرین هر مهارتی، موضوعی از کتاب درسی باشد یا نباشد! این مهارت ها عبارت اند از؛

**مهارت های مدیریت فود؛** حرکتی قدرتی، حرکتی دقتی، آگاهی فضایی، سازماندهی، مدیریت زمان، ایمنی، شیوه زندگی سالم، آداب رفتاری، کزینش آگاهانه

**مهارت های ارتباطی؛** گوش کردن، حرف زدن، خواندن، نوشتن، دیدن، ارائه مطلب، ارتباط غیر کلامی  
**مهارت های اجتماعی؛** مسئولیت پذیری، احترام به دیگران، همکاری، رفع تعارضات، تصمیم گیری گروهی، نقش پذیری گروهی  
**مهارت های فراگیری دانش؛** فراگیری دانش، ادراک، اعمال دانش، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ابداع، ارزیابی، تفکر برهانی (نقد و منطقی)، فراشناخت

**مهارت های پژوهش؛** طراحی سوال، مشاهده، برنامه ریزی، جمع آوری اطلاعات، ضبط اطلاعات، سازماندهی اطلاعات، تفسیر اطلاعات، ارائه نتایج پژوهش

یادآوری می کنیم؛ کودک در فرآیند های آموزشی و پرورشی، داشته های درونی خود را به یاد می آورد، او از کسی چیزی را یاد نمی گیرد. البته تغییر نگاه به کودک از یک یادگیرنده به یک یادآورنده، زمان بر خواهد بود. حتی در اسناد گذشته و در ادبیات فنی الان ما هم، گویا از اصطلاح یادگیرنده و یادگیری استفاده می شود که به تدریج در حال کمرنگ شدن است.

**پیوست ۲؛** نیروی شگفت انگیز درونی کودک برای رشد، او را به فواستن ها و نفواستن های کوناگون، پی در پی و بی وقفه وا می دارد. در یک حالت، این فواسته ها یا نفواسته ها، مستقیماً از نیاز درونی سرپشمه می گیرند و در حالتی دیگر، به طور غیر مستقیم و به واسطه محیط و جمع.

در هر دوی این حالت ها، ما موظفیم نیاز های درونی او را مد نظر قرار دهیم و بستر شکوفایی درونیاتش را فراهم کنیم. در حالت اول باید بستری فراهم کنیم تا پرآورده شدن فواسته اش، باعث توفیقش به درون خودش شود (دو دسته آخر مهارت های ۳۸ گانه)

در حالت دوم باید زمینه ای فراهم کنیم تا او وارد شود ضروریات بیرونی را بدون اصالت دادن به فواسته هایش، اعمال کند تا زمینه ی رشد درون ایبار شود. او باید با خود، محیط، دیگران، شرایط و ترکیبی از این ها، تمرین تعامل سازنده داشته باشد!

(سه دسته آفر مهارت های ۳۸ گانه).

تشخیص این دو حالت در فواستن های کودک و در نظر گرفتن این تفاوت ها در برنامه های رشد، امری تفصیسی و مستلزم مراقبه ی جدی است. قابل توجه اینکه، در هیچ نظریه ای، نیاز های کودک به این شکل دسته بندی نشده اند. پس طبیعی است که سابقه ای هم در دنیای تعلیم و تربیت در این باره وجود نداشته باشد؛ چه رسد به این که این نوع دسته بندی نیازها، مبنای برنامه ریزی و بسترسازی برای رشد قرار گیرد! ناگزیر بوده ایم تمام برنامه ها را ابتدائاً طراحی و تولید کنیم و از آنجاییکه عملاً هدفی جز خودشناسی و رشد خودشناسانه نداشته ایم، به فضل خدا تاکنون موفق شده ایم به اصول طراحی رشد محور پایبند باشیم! مبتکرانه ترین، علمی ترین و کارآترین شیوه های ارتباط و تدریس را در فعالیت هایمان به کار می گیریم.

خوشبختانه، اقیانوسی از میراث معارف، حکمت ها و جستارهای فرد محور در زمینه ی خودشناسی، در اختیار داریم. از قرآن و نهج البلاغه و صمیفه سادیه تا مثنوی و حافظ و سعدی و صدرا، اما تبدیل شدن آن معارف و حکمت ها به برنامه درسی، فقط با تلاش های فراوان فلاقانه و هرفمند ممکن است. در این زمینه، برنامه دبستان موعود بر این است که با هم افزایی انگیزه ها و هم یازاری شیوه های شناخت نیاز حقیقی، همراه با خانواده های گرامی رشد کنیم و این امر مهم را به انجام برسانیم. فلاف جریان رودخانه حرکت کردن، با همراهی و همدلی، میسر تر فواهر بود. برنامه های جلسات عمومی و شفصی خانواده ها، به این هدف تنظیم می شوند و به این لفاظ، بخش اجباری همراهی اولیا با مدرسه هستند.

پیوست ۳؛ به دلیل تفوق تکنیک و اتوماسیون در عصر حاضر، روند زندگی خارج از اراده ی انسانی انسان و در سیطره ی ممرود تمناهای زیستی او، رقم می خورد. شرایطی که انسان ها در آن می زندگی، انطباق عد اقلی با طبیعت او دارند. در این میان، کودکان، از آنجاییکه بیشترین پیوند را با طبیعت فویش دارند، بیشترین لطمه را از شرایط غیرطبیعی فواهند خورد. کودکان می بایست در جمعی از کودکان با سنین نزدیک و نه یکسان و با تعدادی فواهر و برادر سرکنند. امروزه، مشر و نشر بیش از اندازه کودکان با بزرگترها به لفاظ کمیت زیار و کیفیت کم، مهم ترین عامل ایبار اضطراب، عدم اعتماد به نفس و ناتوانی مشهور در آن هاست. فضای فیزیکی زندگی کودکان نیز، نسبت مصنوعی بسیار کمی با نیاز طبیعی او دارد. کمشده ی مهم این عصر، کوچه است، با تمام ویژگی هایی که از آن سراغ داریم. فضایی عاری از فلسفه پردازی ها و فرهیفتگی های نمادین و شعاری بزرگترها و فالی از گزاره های منطقی و تکراری که امروزه در گوش بچه ها می فوانیم و باز می فوانیم و هیچ توفیقی اساس نمی کنیم و باز... می فوانیم.

کوچه، با همه ی آسیب های احتمالی اش، از فضای امروزین و آسیب های قطعی اش بسیار آموزنده تر و سازنده تر بود. علت، پیزی نیست جز نزدیکی اتمسفر آن به طبیعت. سعی ما بر این است که فضای تعاملی بین بچه ها در دبستان، به لفاظ ادبیات گفت و گو، میزان چالش ها، کیفیت چالش ها، سطح درگیری و تعارض، نوع حل تعارض، اتکالی به فرد جمعی کودکان و ... شبیه به کوچه باشد. از نظر ما، تامین امنیت در این زمینه، یعنی مراقبت از سلامت جسمی و روانی بچه ها، فقط تا حدی که منبر به ضعف فرد مراقبتی آنها نشود. می بایست مراقب باشیم، مراقبت و دفالت هر چند حداقلی که داریم، باعث اتکالی بچه ها به ما بزرگترها برای حل مسائل بین خودشان نشود.

پیوست ۴؛ متاسفانه، یادگیری کتاب های درسی، سابقه ای در فاطره تفصیلی معلمین و والدین دارد به این منوال که اگر نه همه، اصلی ترین هرف دانش آموز از تفصیل است، ما اگر موفقیت در دریافت مفاهیم این کتاب ها و هر کتاب و مفتوای دیگری را همپنان به عنوان اهداف تفصیلی منظور کنیم، بزرگترین و پیچیده ترین مانع را برای هرف والای خودشناسی ایبار کرده ایم. آنطور که گفته شد، خودشناسی مستلزم نظر و توجه و تمرکز بر درون است. در نظر گرفتن هر هرف دیگری، الزامات مفصوص به آن هرف را ایبار فواهر کرد.

حتی اگر بپذیریم که محتوای کتاب های درسی، می توانند مناسب رشد کودک باشند، باز هم باید مراقب باشیم که به عنوان هدف در نظر گرفته نشوند. اگر کتاب درسی به جای اینکه ابزار رشد باشد، جایگاه هدف پیدا کند، الزاماتی را ایجاد خواهد کرد که ما را از هدف اصلی مان که نظر به درون است، دور می کند و ما می بایست مراقب این انحراف ها از هدف باشیم.

به عنوان مثال ما باید از مهارت رونویسی متن کتاب درسی به عنوان ابزاری برای تمرین یک مهارت هدف مثل تمرکز استفاده کنیم و میزان و کیفیت رونویسی را طوری تنظیم می کنیم که تامین کننده ی تمرین مهارت تمرکز باشد، حتی اگر کیفیت رونویسی فرزندمان، به آن شکلی که در سابقه ذهنی مان از مدرسه داریم نباشد. بنا بر این در صورتی که مقدار یا شیوه رونویسی، مناسب تمایلات ذهنی فرزندمان نباشد و باعث تمرین تمرکز او نشود، یا شیوه مان را تغییر می دهیم یا ممکن است نهایتاً در آن مقطع، آن را کاهش دهیم یا کاملاً رها کنیم. در داستان موعود، این رویه، یعنی **تربیح** تمرین مهارت های پایه نسبت به مهارت های سطحی، در مورد تمام فعالیت ها و محتواها از جمله دیگر کتاب های درسی، صدق می کند.

**پیوست ۵؛** اگر هدف غایی، فودشناسی است و اگر هدف اندیشه، راهبری ذهن انسان به سمت قله ی بلند تعقل است، پس اندیشه ورزی آزادانه، اندیشه ورزی بی قید نیست و آزاد بودن اندیشه منوط به رهایی اندیشه از هر چیزی است که مانع توبه او به قوه ی عاقله شود. تصور رهایی مطلق برای انسان، خیالی است باطل که به واسطه ی عدم تشفی انسان از تقدیرات کوناگون و متعددی که دارد به وجود می آید. اندیشه ورزی، بدون داشتن پایگاهی عقلاانه، به هیچ وجه نمی تواند تامین کننده ی جهان بینی متقن و قابل اتکا باشد.

در داستان موعود، پس از جست و جویها و مباحثات فراوان کارشناسی با استفاده از متخصصین فلسفه و به ویژه فلسفه برای کودک، پایگاه متقنی را برای فرآیند های اندیشه ورزی بپه ها در نظر گرفتیم. برای ما بسیار مهم بوده و هست که همه ی آنچه با کودک مطرح می کنیم و از جمله این تکیه که عقلانی برای او قابل درک باشد. این پایگاه عقلاانه، در یک جمله ی معیار فاصله می شود؛ ما موظفیم به تولید بیشترین لذت همگانی و همیشگی. در جلسات نشست کلاسی یا نشست خانوادگی، با این جمله معیار در باره موضوعات کوناگون، گفت و گو می کنیم. در این جلسات از اینکه فودمان گزاره منطقی ارائه دهیم، قویا پرهیز می کنیم و با پرسیدن سوال های متنوع و هدفمند، سعی می کنیم جمله ی معیار تکرار شود و همه ی بحث با توبه به آن انجام شود. در چنین نشست هایی، تمام مهارت های تفکر، به واسطه ی سوالاتی که بپه های دیگر یا ما مطرح می کنیم، قابل تمرین هستند.

از طرفی، تکرار جمله معیار، باعث ایجاد هژمون کلی بینی و عاقبت اندیشی می شود. می دانیم که اگر فرضا همه انسان ها با نگاه همین جمله معیار به هستی فکر کنند، دیگر تعارضی بین انسان ها وجود نخواهد داشت و همیشه در امور اجتماعی باید اینطور اندیشید که معیار درست، آن معیاری است که اگر همه آن را رعایت کنند، تعارض از بین خواهد رفت. بنابراین بردی است که اگر والدینی قصد داشته باشند به فرزندشان اینگونه پیام بدهند که فقط به فکر موفقیت و نفع فویش باشد، مدرسه ما را انتخاب نخواهند کرد.

**پیوست ۶؛ اصل شکل گیری هویت از تمایل انسان برای شناخت خودش ناشی می شود.** انسان به وسیله تعیین کنش ها و واکنش هایش به محیط و دیگران، خودش را به خودش معرفی می کند. کیفیت این معرفی، بستگی به این دارد که انسان بقدردان یک فود یکپارچه، منسجم و مطلوب از خودش دریابد. او برای حفظ یکپارگی شفصیت خودش، ناگزیر از تشکیل هویتی است که فواه نافواه برایش رخ می دهد. انسان هایی که الگوی عینی، متقن و موثقی دارند، از هویتی مستقل و مکمل برخوردارند. کوپی، یکپارگی شفصیت های الگو یا یکپارگی تعریفی که فرهنگ جامعه از شهروند تراز ارائه می دهد، افراد الگو گرفته را به سمت تشکیل هویتی منسجم هدایت می کند. انسان برای تثبیت هویت فود، نیاز مند داشتن گرانیکه هویتی مکمل و متقن است.

تکنیک، در عصر حاضر و در فلاء تعالی طلبی انسانی، آرمان های بشری را می بلعد و رفته رفته به انسان هویتی زیستی و ابزاری می دهد! در این وضعیت، هویت های تاریخی و دینی، پایگاه هایی مکمل برای مقاومت در برابر این موج معیوب هستند. همانطور که هیچ انسانی، هیچ لفظه ای را بدون فلسفه طی نمی کند، هیچ لفظه ای را هم بدون هویت طی نمی کند. تصور هویت فشی توهمی بیش نیست؛ به ویژه در عصر سیطره ی

<sup>۱</sup> فیلم ماتریکس چهار را با توجه به پیشینه سه فیلم قبلی ماتریکس ببینید و نقدهایی از آن را مطالعه نمایید

رسانه. بدون انسجام، سردرگمی و تشتت پیش فواید آمد و سردرگمی هویت، رشد انسانی را مبرود به مشهورات زمانه و پیش آمد های روزمره می کند و او را از تمنای کشف هویت آزاد و مستقل خویش باز می دارد. انسان اگر در جست و جوی هویت، لنگرگاه مطمئنی نیابد، غرق در هویت های لفظه ای می شود و به این سرگردانی، فو می کند.

کودک ما باید بداند که در **جست و جوی های من کیستم** نه پندار دور خود در آغاز بلوغ، در پاسخ به خودش می تواند نسبت خودش را با هویت فرهنگی و دینی جامعه خودش مشخص کند چراکه فرهنگ مکتوب یک جامعه، تامین کننده انسجام نظری و شفاهت های دینی جامعه، تبیین کننده انسجام عملی در مواجهه انسان با روزگار خویش هستند. اطلاق نظری و عملی آدمی، با این قطب نماهاست که در جست و جوی شامل امن کشتی کوشگر خویش، از طوفان های سهمگین روزمرگی، به سلامت عبور می کند.

از طرفی بستر سازی برای تشکیل یک **هویت جست و جو شده**<sup>۲</sup> نیاز مند این است که امکان جست و جو برای او فراهم باشد. داشتن پایگاه های هویتی، با معرفی **هویت های بسته بندی شده** متفاوت است. همانطور که در جوامع بشری می بینیم، تنوع نسبتی که افراد مقتلف با پایگاه های هویتی برقرار می کنند، یک طیف وسیع را تشکیل می دهد. فراهم کردن امکان جست و جو برای هویت یابی، یعنی ایجاد بستر مناسب برای مواجهه ی آزاد و از پیش تعیین نشده ی او با این نسبت ها، البته تکرار می کنیم که تصور هویت فتنی، توهم است. بنابراین اولین اشتباه در دفاع از آزادی جست و جو، فتنی فرض کردن **فضای مسلط فکری** زمانه است.

مانمی توانیم کاری کنیم که کودک هیچ الگویی را نپذیرد. در دفاع از آزادی جست و جو، باید مراقب باشیم که او مقهور فضای مسلط فکری نشود؛ حتی اگر از نظر ما آن فضای موجود، فضایی مطلوب یا حتی فضایی ایده آل باشد! در دفاع از حق کاوش کودک، از طرفی نباید او را در جریان های غالب یا مشهور تنها بگذاریم و از طرفی باید مراقب باشیم، مواجهه او با الگوها، اسطوره ها، فرهنگ مکتوب، آموزش رسمی و... مواجهه ی **نگاش مور و آگاهانه** باشد، نه مواجهه ای **پذیرنده و احساسی** باید به کودک اجازه دهیم تا نسبت خودش را با آن ها و حتی با افراد مقتلف جامعه پیدا کند. آن ها را دست نیافتنی، غیر قابل درک، غیر قابل بحث و غیر قابل نقد نراند.

باید دانست که در هویتی که بدون جست و جو و از روی تاثیر پذیری عاطفی و هیجانی تشکیل می شود، هیچ رشدی متصور نیست. تشفیص راهکارهای ایجاد بستر برای **تشکیل هویت جست و جو شده**، امری پیچیده و نیازمند تلاش مطالعاتی است. در این سالها بسیار تلاش کرده ایم که **فصوصا به لحاظ ترکیب جمعیتی** مدرسه، این موضوع بسیار مهم را مدنظر قرار دهیم و از میان خانواده های معناگرا و دین مدار، به عنوان نمونه ای کوچک از جامعه، پذیرای طیفی از ظاهر باشیم، آنگنانکه در یک ممله یا در خامیل هست. بنابراین، در پذیرش خانواده های دانش آموزان، هم **فومی** در این موارد **مهم ترین** مولفه ی فرآیند مصاحبه فواید بود.

**پیوست ۷؛** توجه به آنچه کودک در می یابد، **مهم ترین** عنصر فرزند پروری است و متاسفانه **مغفول ترین** نکته ی فرآیند های فرزندپروری این روزهاست. شاید بسیار شنیده باشیم که باید با زبان بچه ها با آن ها حرف زد و شاید برای این که زبان بچه ها را دریابیم، تلاش های زیادی کرده باشیم. شاید فکر کنیم امروزه بیش تر از هر زمان دیگری می دانیم که با استفاده از چه کلماتی باید با بچه ها حرف زد! بله این را می دانیم اما متاسفانه نمی دانیم که دانستن زبان کودکان، دانستن دایره واژگانی که می توانند بفهمن نیست.

باید سوالی از فودمان پرسیم و به آن پاسخ دهیم. سوال این است؛ با وجود فراوانی غیر قابل مقایسه اطلاعات تربیتی این روزگار نسبت به دو یا سه دهه پیش، چرا به همان نسبت نیز در امر تربیت سردرگم هستیم؟! ما امروزه از علوم شناختی بهره های زیادی می گیریم و می دانیم در گفت و گو با کودکانمان باید از چه جمله هایی استفاده کنیم اما باید دانست دریافت کودک از ما، به چگونگی انتقاب واژگان ما مربوط نیست بلکه به **زمینه** ای که در آن با آن ها سخن میگوئیم و به این که به چه **عنوان** با آن ها سخن می گوئیم، مربوط است. شاید مهم نباشد که ما از نظر شناختی بدانیم کودکان چگونه می اندیشند اما بسیار مهم است که بدانیم **نیاز اصلی** آن ها چیست. بسیار مهم است که بدانیم **نیاز** آن ها را شرایط زمانه تعیین نمی کند. بسیار مهم است که بدانیم **نیاز** کودکان، همان **نیاز** های فطری و طبیعی است که ما هم در کودکی داشته ایم؛ عاطفه، احساس و هیجان.

<sup>۲</sup> موضوع انواع هویت "مارسیا" را مطالعه نمایید

وقتی فکر می‌کنیم همه ی آنچه در نقش بزرگتر باید برای کودک فراهم کنیم، گزاره های ارزشی و متعالی است که به عنوان میراث کرائه‌های ارب به او عطا می‌کنیم، کم‌کم ابراز عواطف و هیانات فراموش می‌شود و چون در دنیای بزرگانه ی خودمان، مشغول کنترل احساس و هیجان و عواطف هستیم، دنیای کودک را هم از آن‌ها فالی می‌کنیم. گاهی حتی اگر اصطلاحاً کودک هیجان زده شگفت زده درونمان ما را به یک ناهنجار شناختی وارد کند، سعی می‌کنیم، آن را از دید فرزندانمان پنهان کنیم که مبادا فرشته ای به سافتار منطقی که برای او پیده ایم وارد شود. ما حتی احساس و هیجان خود را نیز در قالب جملاتی ابراز می‌کنیم که بار منطقی و شناختی شان بیشتر است. اینگونه است که روابط ما و کودک، از آنچه او نیاز دارد یعنی عاطفه هیجان و احساس، به آنچه ما می‌پسندیم یعنی شناخت، میل می‌کند.

وقتی تمام هنر والدگری خود را معطوف می‌کنیم به شناسایی شناخت کودکان و به تبع آن، نقش یک راهنمای شناختی و معلم منطق و فلسفه را ایفا می‌کنیم، به تعداد معلمین او، دو نفر اضافه می‌کنیم اما او دیگر از مادر یا پدر مبروم می‌شود. وقتی نقش دوست را برای او ایفا می‌کنیم، تازه آن هم دوستی که رفتار و گفتار و منطق و روحیه اش مثل آدم بزرگ هاست و به دل نمی‌نشیند، به تعداد دوست های او دو نفر اضافه کرده ایم اما او را از داشتن مادر و پدر مبروم کرده ایم. نیاز اصلی کودک این است که پدري داشته باشد با احساسات و عواطف و خلق پدران و مادری با احساسات و عواطف و خلق مادرانه.

پدري که همیشه مهربان است و به خاطر آسودگی خیال کودک از مورد رضایت بودن، یکی دو قانون شفاف و قابل اجرا و غیر قابل تخطی، تعیین می‌کند و مطلقاً آن را به اجرا در می‌آورد. و برای دادن فرصت تجربه و جرات فقط به کودک، خارج از محدوده ی همان یکی دو قانون، کودک را آزاد می‌گذارد و در صورت فضای کودک، تغافل می‌کند.

مادری که همیشه مهربان است و اگر هم کودکش را در رابطه با رعایت آن یکی دو قانون هدایت می‌کند، به عنوان کمک به امنیت عاطفی فرزند خود و پیشگیری از تبعاتی است که شاید پدر در پاسخ به تخطی از قانون برای کودک ایجاد کند. مادری که کودک احساس می‌کند در تمام فضاها شناخته و ناشناخته اش، حامی عاطفی اوست. مادری که باعث می‌شود کودکش، احساس امنیت روانی همیشگی داشته باشد. مادر با این رفتار، به کودک جرات امتحان و تجربه ی ناشناخته ها را می‌دهد. خود مادر نیز در تجربه ی ناشناخته ها، او را همراهی می‌کند و گاهی از شان منطقی و بزرگ منشانه خود فاصله می‌گیرد. ما قاطعانه می‌دانیم که ریشه ی اعتماد به نفس کودک، محبت بی چون و چرای مادر است.

پیوست ۸؛ تصمیم ما بر این است که تعهد را اصلی ترین اصل مراسم رفتاری خود بدانیم و به آن پایبند باشیم و بریعی است که در هر امری، پیش از این که متعهد به آن بشویم، می‌بایست مفتوی آن را بررسی کنیم. آینده ی فرزند ما امری نیست که بدون اطمینان از درستی یک فرآیند، کودکان را به جریانات پبیده و پرچالش آن بسپاریم. لازم و مهم است که به خوبی از مفاد رویکرد دبستان مطلع و مطمئن شویم و تنها در صورتی که آن را برای رشد فرزند خود مفید می‌دانیم، به برنامه ها و الزامات اجرایی آن، متعهد شویم.

فرض ما این است؛ والدینی که این دخترچه را امضا می‌کنند، تنها از آنچه متعهد شده اند، اطلاع دارند و به آن پایبند خواهند بود. ما در طول سال تحصیلی، در انجام تعهد، از خودمان و اولیا، انتظار آکیر و قاطعانه داریم.

ما می‌دانیم با رعایت کامل تعهدات از سوی اولیا خانه و مدرسه، فقط تلاش برای بسترسازی رشد بچه ها صورت گرفته است. ما می‌دانیم که رشد و هدایت، منوط به اراده الهی است و تلاش ما، شرط کافی برای به نتیجه رسیدن ها نیست اما مطمئنیم که همیشه، تلاش شرط لازم است. بنابراین، دخترچه تعهدات، مبنای گفت و گوی ما با والدین گرامی در باره تمام برنامه های مدرسه، و همچنین مبنای تصمیم گیری مدرسه برای ادامه همراهی در سال های تحصیلی آینده همین خواهد بود.